



ویژگی هفتگی طنز زاهد
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
@tanzyam
rahbrahtanz.ir

شب یلدای افتاده

«محمد رضایابی»

خاطره من از یک شب یلدا و اینا

ساعت ۶ شب
ما تازه به خانه پدری رسیدیم. خاله سوگل در آشپزخانه مشغول یک مدل میوه‌آرایی است که در اینترنت بلد شده است تا وقتی خانواده نامزدش می‌آیند چشم خواهرشور از کاسه دربیاید. البته میوه‌ها آنقدر زیاد است که چشم من که با خانواده شوهرش نسبتی ندارم هم از کاسه درآمده. از میوه‌های داخل آن ظرف بزرگ، من فقط هندوانه و موز و انار را می‌شناسم. نمی‌دانم باقی محتویات ظرف خوردنی است یا تزئینی.

ساعت ۷ شب
دایی سهیل که به دستور مادر رفته بود گل بخرد هم رسید. قرار شده مادر من که دیپلم گل‌آرایی دارد خانه را با این گل‌ها بیاراید که خانواده نامزد خاله سوگل یک وقت فکر نکنند پدر بزرگم اینها دخترشان را از سر راه آورده‌اند. مادر با دیدن گل‌ها ناگهان جیغ کشید و با دایی سهیل دعوا کرد که چرا گل مصنوعی خریدی؟ دایی سهیل گفت که پول خرید صد و پنجاه سبد گل طبیعی را نداشته و در عوض می‌شود به همین گل‌ها اب زد تا طبیعی به نظر بیایند. طفلک پدر بزرگ و مادر بزرگ با جیغ مادر از خواب پریدند.

ساعت ۸ شب
پدر بزرگ دارد دیوان حافظش را نشانه‌گذاری می‌کند که این شب یلدایی بتواند یک فال خوب برای همه بگیرد و خوشحال‌شان کند. پدر به پدر بزرگ می‌گوید که بی‌خیال آن دیوان حافظ سنگین و قدیمی بشود و به جایش خودش با اپلیکیشن فال حافظ برای همه فال می‌گیرد. پدر بزرگ که نمی‌داند اپلیکیشن چیست لیختندی تحویل پدر می‌دهد و دوباره مشغول پیدا کردن اشعار خوب دیوان حافظش می‌شود. خاله سوگل همچنان درگیر میوه‌هاست.

ساعت ۱۰ شب
بعد از کلی دعوا و مرافعه و تلاش برای مهار داماد عصبانی و نجات طفل از دست برادرش بالاخره همه خسته می‌شوند و یک گوشه‌ای می‌نشینند. فرش خانه از آب میوه‌های له شده زیر دست و پا حسابی خیس شده و عوض شده... خاله سوگل هم خودش را در اتاقش حبس کرده و بیرون نمی‌آید. حسرت یکی از آن میوه‌های عجیب و غریب به دلم ماند. میوه‌ها کم‌کم بلند می‌شوند و می‌روند. خانه خیلی ساکت شده. پدر بزرگ دیوان علامت‌گذاری شده‌اش را روی طاقچه می‌گذارد و می‌رود تا بخوابد.



پول خرد به بیمه سلامت اضافه شد

«فروغ زال»

در پی انتشار خبری مبنی بر خارج شدن داروهای بوکی استخوان، بیماری‌های خاص، مسکن، ضدسرفه، آنتی‌هیستامین و... از لیست پوشش بیمه‌ها، وزارت بهداشت طی بیانیه‌ای اعلام کرد: عذرخواهی کنید! این بیانیه ضمن تاکید اعلام داشت، جهت نزدیک شدن به شعار «درمان رایگان = سخنی است رایگان»، پول خرد دریافت می‌کنند.

استخر گرمانشاه

«مهدی سلیمان‌نژاد»

سختی و سردی هوای زیر صفر درجه توی برف و بارون و زیر چادر در مناطق زلزله زده رو فقط وزیری درک میکنه که به دفعه میفته توی آب سرد استخر خونه‌ش

رئیس جمهور آمریکا باز هم غلط کرد



خوجه بیگی لی

گنده‌گویی

«رضا عیوضی»

در مکتب تدبیر!

تفسیر شعر حسنی نگو بلا بگو و تشکر از دولت محترم

«سحر سحیحی»

طبق آخرین پژوهش‌ها و آزمایشات انجام شده مهم‌ترین دلیل بوکی استخوان و بقیه بیماری‌ها، بی‌عاری و تنبلی است! و بدینوسیله از اقدام دولت در حذف داروی بوکی استخوان و سایر داروها از پوشش بیمه‌ای تشکر می‌شود.

«حسنی نگو بلا بگو، تنبل تنبلا بگو»
در این مصرع شاعر به بلا بودن حسنی اشاره دارد و منظور، استفاده از تسهیلات بیمه است که حسنی عاطل و باطل می‌گردد و هی از بیمه استفاده می‌کند و داروی رایگان ضدبلا می‌گیرد.
در قسمت دوم بیت، اشاره به بوکی استخوان دارد که در دوران کهن، بیمه به آن تعلق می‌گرفته...

«موی بلند، روی سیاه، ناخن دراز، واه و واه و واه»
در این مصرع شاعر معتقد است، بیمه به مو و ناخن هم نباید تعلق بگیرد و روی سیاه استعاره وابستگی به بیمه است. تکرار سه باره «واه» نشان از عصبی شدن شاعر دارد چون هنوز هم حسنی دست از تنبلی برنداشته و دولت مجبور است دست به کار شود.

«نه فلفلی، نه قلقلی، نه مرغ زرد کاکالی، هیچکس باهاتش رفیق نبود.»
تنها روی سه پایه، نشسته بود تو سایه.»
در اینجا شاعر از آرایه واج‌آرایی استفاده کرده، و بیمه را به مرغ زرد کاکالی تشبیه کرده که دیگر می‌خواهد رفقت را به پایان برساند.
در قسمت دوم، سایه، کنایه از مرگ است و در اینجا شاعر هشدار می‌دهد.

«حسنی میای بریم حموم؟ نه نمیام! نه نمیام سرتو میخوای اصلاح کنی؟ نه نمی‌خوام! نه نمی‌خوام!»

واقعاً نهایت تاسف در این ابیات به چشم می‌خورد هر چند در برخی از تفاسیر که معتبر هم نیستند علت استفاده از کلمه «نه» به قدرت «نه گفتن» حسنی نسبت داده شده که آن را نتیجه آموزش‌های روانشناسی در مکتب‌های آن دوران می‌دانند ولی به صورت متواتر این «نه گفتن» را ناشی از بی‌عاری و بی‌کاری و تنبلی می‌دانند که منجر به بوکی استخوان وی شده است و دولت با محدود کردن پوشش بیمه و آزاد کردن قیمت داروها می‌خواهد به این تنبلی‌ها پایان دهد.

«حسنی نگو، به دسته گل تر و تمیز و تیل میل»
شاعر در این ابیات معتقد است تدبیر دولت در حذف بیمه، به نمر نشسته و بالاخره با برداشتن تسهیلات، حسنی سر به راه شده و با تلاش از بوکی استخوان نجات یافته است.

دانشگاه‌های بورکینافاسو!

«مصطفی صاحبی»

شبی در خواب دیدم قصه یک باغ زیبا را که در آن باغ پر بود از گل خوشبو و دانشجوی حراست باغبان مهربان آن گلستان بود و بعضاً کود می‌پاشید آنجا روی دانشجوی! غذای هفت‌رنگ سلف را دیدم و پرسیدم کجا رفته است تخم مرغ و کو کوکوی دانشجوی؟ و جوجه قد شست پای بهداد سلیمی هم فراهم بود تا افزون شود نیروی دانشجوی! برای خودروی استاد، پارکینگ می‌پاشد ولی در کوچه‌هایش پارک شد یابوی دانشجوی! اگر آنجا عصابی دست استاد است آنستور ولی خوب است حال کشکک زانوی دانشجوی یکی از خواهران می‌گفت من چیزی نمی‌خواهم فقط باشد مدام اینجا به راه اردوی دانشجوی و دیگر سرعت اینترنتش چون یوز ایرانی که یوزی تیرخورده، مرده در پهلو دانشجوی تمام هفت‌خان باغ هم نابود شد گویا فقط مانده است از آنها همین لولوی دانشجوی! عجب رویای بی‌ربطی به دانشگاه‌مان دیدم نموده هیچ چیز از دانش و از جوی دانشجوی و حالا رجم باید کرد بر این خواب و بر شاعر جوان سر به زیر و البته پزوری دانشجوی! «هواخواه توام جانا و می‌دانم که می‌دانی» نرنج از این کلام تند و خلق و خوی دانشجوی

از چیزهای جالب نظر عارف در مورد نخست‌وزیر لبنانی



روحانی: هیچ کدام از وعده‌ها یادم نرفته



ولیعهد بحرین: ما روابطی صد ساله با آمریکا داریم



سعد حریری: اگر فضای مثبت کنونی ادامه یابد، هفته آینده استعفا را پس می‌گیرم



روحانی: رئیس‌جمهور را بیشتر نقدکنید



رهبر کره شمالی: سرزمینی به نام اسرائیل وجود ندارد که پایتخت آن قدس باشد

کلاه‌حمایتی بیمه سلامت!

«شاهرخ بابرامی»

با خروج داروهایی مانند قرص‌های سرماخوردگی، ضدحساسیت‌ها و سایر دوستان و وابستگان‌شان از پوشش بیمه‌ای خیال‌مان راحت شد. یعنی عملاً از چتر حمایتی بیمه، جز یک کلاه کوچک تابستانی سبک و راحت، چیزی بر سر مردم باقی نماند که خیلی هم شیک است و به چشم برادر و خواهری، خیلی هم به ایشان می‌آید. با تقریب خوبی می‌توان گفت آن محدوددهای که بیمه‌ها پوشش می‌دهند، یادآور برگ‌هایی است که انسان‌های نخستین به‌عنوان پوشش از آنها استفاده می‌کردند. البته توی دل‌تان خالی نشود، مواردی مانند گزیدگی توسط پشه شهری، برخورد انگشت کوچک پا به میل و جراحی

با ناخن‌گیر که شایع‌ترین امراض مبتلا به مردم هستند، همچنان تحت پوششند و جای نگرانی نیست. در برخی خبرها هم گفته شده که خدمات بیمه سلامت قرار است فقط در بیمارستان‌های دولتی ارائه شود. حالا این هم مساله حادی نیست، فقط کمی شلوغ‌تر می‌شود که به صفای دور هم بپوشند می‌آرزود. بد نیست مسوولان از تجربیات موفق خود در بحران زلزله کرمانشاه هم استفاده کنند. اگر پوشش بیمه را هم مثل بحث امداد و نجات و اسکان، به سپاه و مردم بسپاریم قطعاً خودشان کارها را انجام می‌دهند و تسهیلات کمتری هم مصرف می‌شود. سر آقایان هم خلوت‌تر می‌شود و به کارهای مهم‌ترشان می‌رسند.

قطار...

«مهدی سلیمان‌نژاد»

استاندار همدان: اوایل دی ماه قطار همدان - تهران مسافرگیری خود را آغاز خواهد کرد. - بدین داغه نمی‌دونه قطار همدان، از قبل انتخابات داره مسافر می‌بره و افتتاح شده! تازه مسافراش هم بیمه اند! (:

Google
ترامپ: قدس پایتخت اسرائیل است

All Images Videos Maps More Settings Tools

About 2,240,000 results (0.66 seconds)

شکرخوری جدید ترامپ: ؟ Did you mean:

ترامپ: قدس پایتخت اسرائیل است More image for

گفت و گو با دکتر زیباکلام درباره اظهارات اخیر ترامپ
www.liberaldr.com

از امروز قدس رو به رسمیت میشناسم چون آقا ترامپ به رسمیت شناخته وی در ادامه گفت: به مشت پرچم شسته اتو کرده دارم تو کمدم برا سفارت...

تحلیل های عادل فردوسی پور از پایتخت اسرائیل در برنامه 90/ فیلم
www.barnamefoghhe30yac.ir/90.ferdosipour

عادل فردوسی پور ضمن دعوت از بدل‌ناتیاهو پیرامون اظهارات اخیر ترامپ تحلیل ارائه داد: حالا که پایتخت اسرائیل قدس شد یعنی دیگه میشه جلوشون بازی کرد. قدس رو که به رسمیت میشناسیم دیگه!

ترامپ بدل دارد + فیلم / میخواست بیاد نیوز
www.mikhashtbidnews.ir/th-terump-badal

تفاوت تلفظ th ترامپ در مصاحبه اخیر و مصاحبه های قبلی نشان می‌دهد ترامپ بدل دارد و این حرفهای بدلتش است.

فاطمه سادات رضوی علوی

Googoooooooooooooole >
1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 Next

دارالمجانین موزرد!

«امین شفیعی»

دیوانه‌ای در رفت از دارالمجانین از یک مقام دولتی دزدید ماشین در خودرو اش پیراهن و شلوار و کت بود پوشید تا در یک مکان پنهان شود زود چون بود چشمش رنگی و مویش طلاایی خودرو، کت و شلوار او ایتالیایی، با دست و سوت و جیغ و داد و شور و لبخند او را همه پشت تریبون راه دادند! آن قدر حجم سوت و کف چسبید بالا دیوانه شد جوگیر از آن شور و غوغا فریاد زد: مردما در این اجلاس، رسماً اعلام خواهم کرد از امروز لندن، شد پایتخت شیلی و سانیاگو هم من پایتخت مولدوی اعلام کردم رم نیز زین پس پایتخت ملک چاد است آنجا سفیرش نیز معصومی نژاد است زاین از این پس پایتختش شهر مسکوست و پایتخت روسیه شهر توکیوست دیوانه آنها را به حدی کرد تحمق که جملگی با شور فریاد و کف و جیغ از صحبت این مرد خل محظوظ گشتند جمله درپند و به سمت دشت رفتند

در حماقت!

«مینا گودرزی»

می‌بزی و می‌دوزی خیلی راحت خیال کردی شدی اند سیاست روال کارت از اول همین بود: حماقت در حماقت در حماقت